

خلاصه درس



مُدْرَس: مدرّس / مُتَّعَلِي: پی در پی / هَاوِي: علاقه‌مند، ج هَوَاة / خَايِر: زیان دیده / مُتَعَجَّب: شگفت زده

درس ۳ عَاقِل: خردمند / قَادِر: توانا / کَاتِب: نویسنده / ج کُتَاب / مُتَعَدِّد: گوناگون / وَاثِق: دل استوار / قَارِي: خواننده / فَايِذَة: سود / مُفِيد: سودمند / مُفَكِّر: اندیشمند / شَاعِر: سُراينده، ج شُعْرَاء / قَاسِيَة: سخت و دشوار / مُخْتَلِف: گوناگون / عَالِم: دانا، ج عُلماء / حَامِد: ستاینده / هَالِك: نابودشونده / بَاكِیَة: گریان / صَالِح: درستکار / مُتَذَكِّر: به یاد آورنده / ظَاهِرَة: پدیده / مُجْتَهِد: کوشا / مُرْعِب: ترسناک / عَابِد: عبادت‌کننده / مُسَاعِد: یاری‌دهنده / مُعَلِّم: آموزگار / ظَالِم: ستمگر / جَاهِل: نادان

درس ۴ طَاهِر: پاک / ضَالِر: زیان‌رساننده / مُحِب: دوستدار / حَاضِر: حاضر / بَالِغ: رسا / شَاهِد: گواه / مُتَوَاضِع: فروتن / مُتَكَبِّر: خود بزرگبین / مُؤَدَّب: ادب‌کننده / دَارِجَة: عامیانه / جَاف: خشک

اسم مفعول در کتاب درسی

درس ۱ مُكْشَرَة: شکسته / قُرُوص: استوار / مُعْجَم: واژه‌نامه / مُكْرَم: گرامی داشته / مَكْسُور: شکسته / مَفْرُوضَة: تحمیلی / مُدَوَّنَة: وبجا

درس ۲ مُكْرَمَة: گرامی / مُنُورَة: نورانی / مُسْرُور: خوشحال، شاد / مَحْصُول: محصول، ج مَحَاصِل / مَرْضِيَة: مورد رضایت، پسندیده / مُحْتَرَم: مورد احترام / مُعْطَل: خراب شده / مَجْرُور: جَرّ گرفته / مُعْجَب ب: شیفته / مَشْغُول: مشغول

درس ۳ مَوْضُوع: موضوع / مُكْرَر: تکراری / مَاخُود: گرفته شده / مَقْطُوع: بریده شده / مُسْتَثْنَى: استثنا شده / مَعْجُون: خمیر / مَطْبُوع: پخته شده / مَظْلُوم: ستم دیده

درس ۴ مَوْجُود: موجود

اسم مبالغه

اسم مبالغه بر بسیاری صفت یا انجام دادن کار دلالت دارد و بر وزن «فَعَال» و «فَعَالَة» می‌آید:

مثال: صَبَّار: بسیار بردبار / غَفَّار: بسیار آمرزنده

اسم مبالغه در کتاب درسی

درس ۱ غَفَّار: بسیار آمرزنده

درس ۲ فَلَاح: کشاورز / صَبَّار: بسیار بردبار

درس ۳ طَبَّاح: آشپز / أَمَّارَة: بسیار امرکننده

درس ۴ جَبَّار: ستمگر / صَيَّاد: شکارچی

اسم تفصیل

اسم تفصیل مفهوم برتری دارد، بر وزن «أَفْعَل» و غالباً جمع آن بر وزن «أَفَاعِل» است.

مثال: أَفْضَل: افاضل

مؤنث اسم تفصیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید.

مثال: كُبْرَى

فَن تَرْجِمَة

هرگاه پس از اسم تفصیل، حرف جرّ «مِن» بیاید (أَفْعَل مِّن ...) معنای «برتر» دارد و اگر بدون «مِن» بیاید، معنای «برترین».

گذری بر سال‌های گذشته

اسم فاعل و اسم مفعول

اسم فاعل به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و اسم مفعول به معنای «انجام شده» است.

مثال: کَاتِب: نویسنده / مَكْتُوب: نوشته

اسم فاعل و اسم مفعول از ثلاثی مجرد به ترتیب بر وزن «فاعل» و «مفعول» می‌آیند.

مثال: صَانِع (فاعل) / مَصْنُوع (مفعول)

اگر بخواهیم از فعل ثلاثی مزید، اسم فاعل و اسم مفعول بسازیم به روش زیر عمل می‌کنیم:

۱ حرف اول (مضارع) را از فعل مضارع حذف می‌کنیم.

۲ به جای حرف اول (مضارع)، «م» اضافه می‌کنیم.

۳ اگر به عین‌الفعل (حرف دوم از حروف اصلی) کسره (ی) بدهیم، اسم فاعل و اگر فتحه (ت) بدهیم، اسم مفعول ساخته می‌شود.

مثال: يُرْسِلُ (اسم فاعل) / يُرْسِلُ (اسم مفعول)

تذکره: اسم فاعل و اسم مفعول می‌توانند مانند دیگر اسم‌ها تبدیل به مؤنث، مثنی و جمع شوند یا جمع مکتب داشته باشند. باید توجه داشته باشیم که همیشه مفرد آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم، پس «سَبَّاح» یا «محاصیل» اسم فاعل و اسم مفعول هستند؛ زیرا مفرد آن‌ها «سَبَّاح» و «محصول» است.

فَن تَرْجِمَة

معمولاً اسم فاعل به «صفت فاعلی» و اسم مفعول به «صفت مفعولی» ترجمه می‌شود.

مثال: صَانِع: سازنده / مَصْنُوع: ساخته شده

صفت فاعلی: بن مضارع + نده / ان ... مانند: جوینده، جویا، جویان

صفت مفعولی: بن ماضی + ه (+ شده): مانند: جُسِبَة (شده): گفته (شده)

اسم فاعل در کتاب درسی

درس ۱ کَافِر: بی‌دین / فَاعِل: کننده / مُحْسِن: نیکوکار / بَاطِل: باطل / حَادِثَة: رخداد / تَارِك: رهاکننده / مُتَمَایِل: متمایل، گراينده / تَالِي: بعدی / فَاخِر: فخرکننده / ثَابِت: ثابت، استوار / نَاقِد: نقدکننده / ج نَقَاد / مُجِيب: برآورنده / وَاجِب: واجب / نَافِع: نفع‌رساننده / سَائِح: گردشگر، ج سَبَّاح / شَامِل: شامل / مُزَارِع: کشاورز / جَانِع: گرسنه / طَائِر: پرنده / مُقْتَرِس: درنده

درس ۲ وَالِد: پدر / مَاضِيَة: گذشته / مُشْتَق: علاقه‌مند / حَاج: حج‌گزار، ج حُجَّاج / وَاقِع: واقع / مُرْتَفِع: بلند / مَهْنَدِس: مهندس / مُبْتَسِم: خندان / مُسَافِر: مسافر / مُتَأَخِّر: دیرکننده / رَاضِيَة: خرسند / مُتَفَرِّج: تماشاجی / مُجِد: کوشا / قَاسِم: قسمت‌کننده / جَالِس: نشسته / مَبْشُر: مزده‌دهنده / مُطْمَئِنَة: مطمئن / رَاكِع: رکوع‌کننده / صَادِق: راستگو / وَاقِف: ایستاده / مُصْلِح: تعمیرکار / جَار: جَردهنده / غَالِب: چیره‌شونده / ذَالِقَة: چشنده / مُنَاسِب: مناسب / مَانِع: مانع / حَارِس: نگهبان، ج حُرَّاس / عَامِل: کارگر، ج عَمَال / مُؤْمِن: مؤمن /

■ مضاف الیه: هرگاه دو اسم به یکدیگر اضافه شوند، به اسم دوم، مضاف الیه می‌گویند.

مثال: کتاب علی : کتاب علی
مضاف مضاف الیه مضاف مضاف الیه

■ صفت: کلمه‌ای است که اسم پیش از خود را توصیف می‌کند:

مثال: کتاب مفید: کتاب سودمند
موصوف صفت موصوف صفت

تذکره: صفت همیشه از نظر جنس، تعداد، اعراب، معرفه و نکره پیرو موصوف خود است.

■ جار و مجرور: به حروف زیر حروف جرّ می‌گویند:

مِن (از)، فِی (در)، اِلَى (به)، بِه (سوی، تا)، عَلَى (بر، روی، به زبان)، بِ (به وسیله، در)، لِ (برای، از آن، داشتن)، عَنْ (از، درباره)، كَ (مانند).
به اسم بعد از حرف جرّ مجرور و به هر دو این‌ها «جار و مجرور» می‌گویند:

مثال: فی الارض در زمین
جار مجرور حرف اضافه متمم

درس ۱۱ المعجم (فعلها) ستاره‌دار

اِحْمَسِي: از من نگهداری کن (ماضی: حَمَى / مضارع: يَحْمِي)	اِحْمَسِي: از من نگهداری کن (ماضی: حَمَى / مضارع: يَحْمِي)
عَقَل: خردورزی کرد	عَقَل: خردورزی کرد
اَقَمَ وَجْهَكَ: روی بیاور (ماضی: اَقَامَ / مضارع: يَقِيْمُ)	اَقَمَ وَجْهَكَ: روی بیاور (ماضی: اَقَامَ / مضارع: يَقِيْمُ)
حَزَقِي: سوزاند	حَزَقِي: سوزاند
عَلِق: آویخت	عَلِق: آویخت
قِيل: گفته شد	قِيل: گفته شد
خُدُوا: بگیرید (أَخَذ: گرفت)	خُدُوا: بگیرید (أَخَذ: گرفت)
تَأَنَّ: مطمئن شد	تَأَنَّ: مطمئن شد

المعجم (فعلها) غیرستاره‌دار

أَكَّد: تأکید کرد (مضارع: يُؤكِّدُ)	أَكَّد: تأکید کرد (مضارع: يُؤكِّدُ)
حَسِب: پنداشت	حَسِب: پنداشت
أَنْقَذ: نجات داد (مضارع: يُنقِذُ)	أَنْقَذ: نجات داد (مضارع: يُنقِذُ)
أَضَاع: تباه کرد (مضارع: يُضيعُ)	أَضَاع: تباه کرد (مضارع: يُضيعُ)
تَبِع: تعقیب کرد	تَبِع: تعقیب کرد
قَذَف: انداخت	قَذَف: انداخت
قَطَعَ: برید	قَطَعَ: برید
عَلِم: دانست	عَلِم: دانست
عَفَرَ: آمرزد	عَفَرَ: آمرزد
مَلَأ: پر کرد	مَلَأ: پر کرد
دَل: راهنمایی کرد (مضارع: يَدُلُ)	دَل: راهنمایی کرد (مضارع: يَدُلُ)
يَبَّن: آشکار کرد (مضارع: يَبِينُ)	يَبَّن: آشکار کرد (مضارع: يَبِينُ)
سَب: دشنام داد	سَب: دشنام داد
تَظَاهَرَ: وانمود کرد	تَظَاهَرَ: وانمود کرد
اِكتَشَف: کشف کرد (مضارع: يَكْتشِفُ)	اِكتَشَف: کشف کرد (مضارع: يَكْتشِفُ)
اِنقَطَعَ: بریده شد	اِنقَطَعَ: بریده شد
عَلِم: یاد داد	عَلِم: یاد داد
اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست
بَكَى: گریست	بَكَى: گریست
طَار: پرواز کرد	طَار: پرواز کرد

مثال: هُوَ اصغر مني: او از من کوچک‌تر است.
سورة البقرة اُكْبَر سورة في القرآن: سورة بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

اسم تفضیل در کتاب درسی

- درس ۱ اصغر:** کوچک‌تر، کوچک‌ترین / اَكْثَر: بیشتر، بیشترین / اَغْنَى: بی‌نیازکننده‌تر، بی‌نیازکننده‌ترین / اَجْمَل: زیباتر، زیباترین / اَسْوَأ: بدتر، بدترین / اَشَدّ: شدیدتر، شدیدترین / اَحْسَن: بهتر، بهترین
- درس ۲ اُخْرَى:** دیگر، «مَوْثِقٌ اُخْرَى» / اَعْلَى: بالاتر، بالاترین: ج اعلون / اَعْجَب: شگفت‌انگیزتر، شگفت‌انگیزترین / اَعْزَب: غریب‌تر، غریب‌ترین / اَفْوَى: نیرومندتر، نیرومندترین / اَعْظَم: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین: ج اعظم
- درس ۳ اَمْتَع:** لذت‌بخش‌تر، لذت‌بخش‌ترین / اَنْفَع: سودمندتر، سودمندترین / اَهَمّ: مهم‌تر، مهم‌ترین / اَسْفَل: پایین‌تر، پایین‌ترین / خَيْر: بهتر، بهترین / اَقْدَم: کهن‌تر، کهن‌ترین / اَصْغَف: ناتوان‌تر، ناتوان‌ترین
- درس ۴ اَحَى:** شایسته‌تر، شایسته‌ترین

اسم مکان

اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن «مَفْعَل» و گاهی بر وزن «مَفْعِل» و «مَفْعَلَةٌ» است. جمع این اسم بر وزن «مَفَاعِل» می‌آید:

مثال: مَلْعَب، مَلَاعِب.

اسم مکان در کتاب درسی

- درس ۱ مَعْبَد:** پرستشگاه: ج معابد / مَدْرَسَة: مدرسه: ج مدارس / مَطَار: فرودگاه
- درس ۲ مَشْهَد:** صحنه / مَكَان: مکان، ج اماکن / مَرْوَعَة: کشتزار / مَضْع: کارخانه / مَسْجِد: مسجد: ج مساجد / مَوْقِف: ایستگاه: ج مَوَاقِف / مَنزِل: منزل: ج مَنَازِل / مَطْعَم: رستوران، ج مطاعم
- درس ۳ مَرْحَلَة:** مرحله: ج مَرَاجِل / مَضْرَب: منبع: ج مَصَادِر / مَتَبِع: منبع: ج منابع / مَكْتَبَة: کتابخانه / مَطْبَع: آشپزخانه / مَجْلِس: نشستگاه
- درس ۴ مَلْعَب:** ورزشگاه

نکات تکمیلی

- مبتدا:** اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله اسمیه می‌آید و درباره آن خبری داده می‌شود.
- خبر:** بخش دوم جمله است و درباره مبتدا خبری می‌دهد.

مثال: اللهُ غَافِرُ الذُّنُوبِ: خداوند آمرزنده گناهان است.
مبتدا خبر نهاد گزاره

■ فاعل: انجام‌دهنده کار یا دارنده حالت است. در جمله فعلیه کاربرد دارد و در پاسخ «چه کسی» یا «چه چیزی» می‌آید.

مثال: يَغْفِرُ اللهُ الذُّنُوبَ: خداوند گناهان را می‌آمرزد.
فاعل نهاد

■ مفعول: اسمی است که کار، بر آن انجام می‌شود. در جمله فعلیه کاربرد دارد و در پاسخ «چه کسی را» و «چه چیزی را» می‌آید. معمولاً نشانه آن «را» است.

مثال: يَغْفِرُ اللهُ الذُّنُوبَ: خداوند گناهان را می‌آمرزد.
مفعول به مفعول

ردیف	سؤالات	نمره
۱۰	میزر فی العبارت التالیة «الحرف المشبهة بالفعل»: الف) فأقول في نفسي: يأليني أذهب مرة أخرى. ج) حاول إبراهيم أن ينفذ قومه من عبادة الأصنام.	۰/۲۵
۱۱	ترجم الكلمات التي تحتها خطأ. الف) قد ساعدت أختنا المؤمنة. ج) أيها الأولاد، لا تقتربوا البئر.	۱
۱۲	انتخب الفعل المناسب للفراغ. أيتها الوالدة الخنونة، رجاء، طفلك، (أجلس / إجلسي / أجلسي)	۰/۲۵
۱۳	مهارت درک و فهم هین الصحیح و الخطأ. یرحم الله من لا یرحم الناس. <input type="checkbox"/> الصحیح <input type="checkbox"/> الخطأ	۰/۲۵
درس دوم		
مهارت واژه شناسی		
۱۴	ترجم الكلمات التي تحتها خطأ. الف) لا لباس أجمل من العافية. ب) و يؤتون الزكاة وهم راكعون.	۰/۱۵
۱۵	أكتب في الفراغ الكلمة المترادفة. (كلمتان زائدتان) (تجنب، بعث، أرسل، اشتاق) _____ = _____	۰/۲۵
۱۶	أكتب مفرد أو جمع الكلمة التي تحتها خطأ. هذا مطعم أخي الأكبر: _____	۰/۲۵
۱۷	هین الكلمة الغريبة فی المعنی. ۱. الأعين <input type="checkbox"/> ۲. الأكتاف <input type="checkbox"/> ۳. الفأس <input type="checkbox"/> ۴. الأسنان <input type="checkbox"/>	۰/۲۵
مهارت ترجمه		
۱۸	ترجم هذه الجمل. الف) حينما أرى الناس يذهبون إلى الحج، تمر أمامي ذكرياتي. ب) إذا طلبت أن تنجح في عملك فقم به وحيداً ولا تتوكل على الناس. ج) سمكة السهم تطلق قطرات الماء متتالية من فمها إلى الهواء بقوة. د) ولا تهنوا ولا تحزنوا وأنتم الأهلون. هـ) يبقى المحسن حياً وإن نُقل إلى منازل الأموات.	۰/۷۵ ۱ ۰/۷۵ ۰/۱۵ ۱
۱۹	انتخب الترجمة الصحيحة. «شاهد بنيتنا وهي واقفة بين السيارتين» ۱. دخترکمان را می بینیم درحالی که میان دو خودرو ایستاده است. ۲. فرزند دختران را مشاهده می کنیم و او میان دو خودرو ایستاده بود.	۰/۲۵

ردیف	سؤالات	نمره
۷	ترجم الكلمات التي تحتها خط: الف) خَرَجَ: (خارج شد) ۱. لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الْبَيْتِ: ۲. لَا تَخْرُجُوا مِنَ الصَّفِّ: ۳. هُوَ قَدْ خَرَجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ: ب) ذَكَرَ: (ياد كرد) ۱. اذْكُرُوا رَبَّكُمْ: ۲. قَدْ يَذْكُرُ جَدِّي صَدِيقَهُ: ۳. أَنْتُمْ مَا ذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ: ج) أَرْسَلَ: (فرستاد) ۱. لِيَرْسِلَ جَوَابَهُ: ۲. هُوَ مَرْسِلٌ هَذِهِ الرَّسَالَةَ: ۳. هُمْ يَرْسِلُونَ الْخَبَرَ:	۲/۲۵
۸	الف) اِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ: اسْمُ الْفَاعِلِ، اسْمُ الْمَفْعُولِ، اسْمُ التَّفْضِيلِ، اسْمُ الْمُبَالَغَةِ. كُلُّ مَنْسِلِمٍ حِينَ مَا يَتَذَكَّرُ مَكَّةَ الْمَكْرَمَةَ يَشْتَاقُ أَنْ يَزُورَهَا - إِنَّهُ رَجُلٌ صَبَاحٌ فِي عَمَلِهِ - إِنَّهَا مِنْ أَهْجَبِ الْأَسْمَاءِ. ب) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: ۱. قَدْ أَضَافَ الْعَقَادَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ. ۲. شَاهَدُوا أَسْمَانَهُمْ مَكْسَّرَةً. بترتار	۱/۷۵
۹	هَيِّنِ الْجُمْلَةَ الَّتِي فِيهَا أَسْلُوبُ الْحَضَرِ: الف) «لَا يَبَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ» ب) حَلِّ الطَّلَابِ مَسَائِلَ الرِّيَاضِيَّاتِ إِلَّا مَسْأَلَةً. بترتار	۰/۲۵
۱۰	مَيِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ: الْمَفْعُولَ الْمَطْلُوقَ، نَوْعَهُ، الْحَالِ، الْمَسْتَثْنَى، الْمَسْتَثْنَى مِنْهُ. لَا تَعْلَمُ زَمِيلَاتِي اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ إِلَّا عَطِيَّةً - جَلَسَ هِشَامٌ عَلَيْهِ جُلُوسَ الْأَمْرَاءِ - الطَّالِبَتَانِ تَقْرَأُ دَرُوسَهُمَا مَجْدَّتَيْنِ.	۱/۲۵
۱۱	هَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِهْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: الف) أَضْعَفَ النَّاسَ مَنْ ضَعَفَ عَنْ كِتْمَانِ سِرِّهِ. بترتار ب) يَزِي الطَّائِرَ الذَّكِيُّ حَيَوَانًا مَفْتَرِسًا.	۱
۱۲	هَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: (يَطُوفُونَ - الْمَطَارَ - يَطْرُدُونَ - حَرَبَةً - هَلَمَّ - الْحَنِيفَ) (كَلِمَتَانِ زَانِدَتَانِ) الف) رَفَعَتِ الْفَائِزَةُ الْأُولَى فِي الْمَبَارَاةِ ____ إِيْرَانِ. بترتار ب) ____ مَكَانَ يَرْكَبُ الْمَسَافِرُونَ الطَّائِرَةَ لِلذَّهَابِ إِلَى السَّفْرِ. ج) ____ تَارَكَ لِلْبَاطِلِ وَ مَتَمَّيْلَ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ. د) الْحَجَّاجُ ____ عَرَاتٍ حَوْلَ بَيْتِ اللَّهِ لِأَدَاءِ مَنَاسِكِ الْحَجِّ.	۱
۱۳	هَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. الف) الْقِمَّةَ مَكَانَ وَقُوفِ السِّيَّارَاتِ وَالْحَافِلَاتِ. ب) عَلَّقَ إِبْرَاهِيمَ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَسْنَامِ. ج) تَعَلَّمَ الْعَقَادُ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السِّيَّاحِ. د) هِنْدُ الشَّدَائِدِ يُعْرِفُ الْإِخْوَانَ.	۱
۱۴	هَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْمَحَلِّ الْإِهْرَابِيِّ: «الْحِكْمَةُ لَا تَعْمَرُ فِي قَلْبِ الْمَتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ» الف) لَا تَعْمَرُ: ۱. فِعْلٌ مُضَارِعٌ، مُفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، غَائِبٌ، مَعْلُومٌ/ خَبْرٌ ۲. فِعْلٌ مُضَارِعٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مُخَاطَبٌ/ فِعْلٌ وَ فَاعِلٌ ب) الْجَبَّارِ: ۱. اِسْمٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرُوفٌ بِأَلٍ/ مُضَافٌ إِلَيْهِ ۲. اِسْمٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرُوفٌ بِأَلٍ، اِسْمٌ مُبَالَغَةٌ/ صِفَةٌ	۰/۱۵
	جمع نمره	۲۰

← امتحان ۸ - شهریور ماه ۱۳۹۹ (نوبت دوم)

- ۱ شکست (درس ۱) (۰/۲۵)
- ۲ الف) الحنیف (یکتاپرست) = المُوَحَّد / ب) الضَّراع (کشمکش) = السَّلَم (آستی) (درس ۱) (صفرورده ۰/۲۵)
- ۳ الف) گفتند او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.
ب) هیچ خیری در گفتاری نیست مگر این که همراه کردار (عمل) باشد.
ج) حق را از اهل باطل بگیرید ولی باطل را از اهل حق نگیرید. (درس ۱) (صفرورده ۰/۵)
- ۴ الف) ۱. آمرزش خواسته‌اید / ۲. آمرزش نمی‌خواهند / ۳. آمرزش نخواست (درس ۱) (صفرورده ۰/۲۵)
- ۵ الف) فرودگاه / راهنما
ب) انجام دادن / یاری کن (درس ۱) (صفرورده ۰/۲۵)
- ۶ گزینه ۱۱ (درس ۱) (۰/۲۵)
- ۷ الرأس (درس ۱) (۰/۲۵)
- ۸ الف) أصغر: اسم التفضیل / ب) مرصوص: اسم المفعول (درس ۱) (صفرورده ۰/۲۵)
- ۹ صحنه (درس ۲) (۰/۲۵)
- ۱۰ الأربعاء: چهارشنبه، دیگر گزینه‌ها به ترتیب: دوشنبه، دوشنبه، نزدیکان (درس ۲) (۰/۲۵)
- ۱۱ الف) مردم امت واحدی بودند، پس خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده فرستاد.
ب) خاطراتتان از حج چیست؟ - چادرهای حاجیان را به یاد می‌آورم.
ج) اولین آیات قرآن در غار حراء بر پیامبر (ص) نازل شد.
د) این ماهی دوست دارد که شکارهای زنده را بخورد. (درس ۲) (صفرورده ۰/۵)
- ۱۲ ۱. رفتار می‌کردند / ۲. رفتار مکن / ۳. رفتار کردن (درس ۲) (صفرورده ۰/۵)
- ۱۳ نامیده می‌شود / بلند (درس ۲) (صفرورده ۰/۲۵)
- ۱۴ گزینه ۲ (درس ۲) (۰/۲۵)
- ۱۵ الموقف (درس ۲) (۰/۲۵)
- ۱۶ المهندس: اسم الفاعل / المصنع: اسم المكان / السيارة: اسم المبالغة (درس ۲) (صفرورده ۰/۲۵)
- ۱۷ الف) کلّ: مبتدا / ذائفة: خبر
ب) الناس: مضاف إليه / سهلاً: حال (درس ۲) (صفرورده ۰/۲۵)
- ۱۸ الف) قال: هل رأيت الغار، یا أقام / ب) الغار يقع فوق جبل مرتفع / ج) جبال / د) نظر عارف إلى والدیه (درس ۲) (صفرورده ۰/۲۵)
- ۱۹ الف) گزینه ۱۱ / ب) گزینه ۲ (درس ۲) (صفرورده ۰/۲۵)
- ۲۰ نویسندگان (درس ۳) (۰/۲۵)
- ۲۱ الف) پس همه فرشتگان با هم سجده کردند جز ابلیس.
ب) زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی است.
ج) انسان دانا در هر موضوعی خوراکی فکری می‌یابد.
د) هر چیزی هنگامی که زیاد شود ارزان می‌شود به‌جز ادب. (درس ۳) (صفرورده ۰/۵)
- ۲۲ المفکر (درس ۳) (۰/۲۵)
- ۲۳ أشدّ: شدیدتر (سخت‌تر) (درس ۳) (۰/۲۵)
- ۲۴ الف (درس ۳) (۰/۲۵)
- ۲۵ کلاماً: مفعول / الحقّ: مستثنی (درس ۳) (صفرورده ۰/۲۵)
- ۲۶ الف) قطعاً ما قرآن را بر تو نازل کردیم.

ب) هشام ترسید از این که مردم شام او را بشناسند و به او تمایل پیدا کنند.
(درس ۴) (صفرورده ۰/۵)

۲۷ ۱. بازنشسته شده بود. / ۲. بازنشسته نمی‌شوی / ۳. بازنشسته می‌شویم / ۴. بازنشسته خواهید شد (درس ۴) (صفرورده ۰/۲۵)

۲۸ الف) بینما / ب) الحوت / ج) استخراج / د) قدر (درس ۴) (صفرورده ۰/۲۵)

۲۹ الف) صبراً: مفعول مطلق / نوعی: نوعه / جمیلاً: صفت / ب) القرآن: مفعول (درس ۴) (صفرورده ۰/۲۵)

← امتحان ۹ - دی ماه ۱۳۹۹ (نوبت دوم)

۱ الف) مایه تباهی (درس ۱) (۰/۲۵) / ب) می‌گذرد (درس ۲) (۰/۲۵) / ج) ترسناک (درس ۳) (۰/۲۵) / د) بزرگان (درس ۴) (۰/۲۵)

۲ الف) واثق = مُطمئن / ب) اختفاء = ظُهور (درس ۴)

۳ الف) التُّراب: خاک: دیگر گزینه‌ها به ترتیب: جامه، پوشاک، لباس (درس ۴) (۰/۲۵) / ب) القمّم (درس ۳) (۰/۲۵)

۴ الف) فرشتگان قطعاً فرود آورده شدند. (درس ۴) (۰/۵)
ب) پس این روز رستاخیز است، ولی شما نمی‌دانستید. (درس ۱) (۰/۵)
ج) زندگی دنیا جز بازیچه و سرگرمی نیست (زندگی دنیا فقط بازیچه و سرگرمی است). (درس ۳) (۰/۵)
د) پس همه فرشتگان با هم سجده کردند جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران شد. (درس ۳) (۰/۲۵)

۵ الف) مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می‌کند. (درس ۴) (۰/۵)
ب) مدیر پاسخ داد: هیچ دانش‌آموزی این‌جا نیست. (درس ۱) (۰/۵)
ج) تماشاگران تیم برنده‌شان را با خوشحالی تشویق می‌کنند. (درس ۲) (۰/۵)
د) او قطره‌های آب را پی در پی با قدرتی شبیه پرتاب تیر از دهانش به طرف هوا رها می‌کند. (درس ۲) (۰/۲۵)

هـ) من معتقدم که یک اندیشه را اگر هزار نویسنده مطرح کنند، هزار اندیشه می‌شود. (درس ۳) (۰/۲۵)

و) هنگامی که جوجه‌هایش بزرگ می‌شوند، از آن‌ها می‌خواهد که از لانه بلندشان بپرند. (درس ۳) (۰/۲۵)

ز) و این گفته تو که «این کیست؟» زیان رساننده بدو نیست. عرب و غیر عرب کسی را که تو انکار کردی می‌شناسند. (درس ۴) (۰/۲۵)

ح) مردم شروع به پج پج کردند: قطعاً بت سخن نمی‌گویند و ابراهیم قصد مسخره کردن بت‌های ما را دارد. (درس ۱) (۰/۲۵)

۶ الف) گزینه ۱۱ (درس ۱) (۰/۲۵) / ب) گزینه ۲ (درس ۴) (۰/۲۵)

۷ الف) با تعجب، گریه می‌کنی؟
ب) قدیمی، گاهی به یاد می‌آورد (درس ۲) (صفرورده ۰/۲۵)

۸ الف) ۱. نزدیک نخواهد شد (هرگز نزدیک نمی‌شود)
۲. نزدیک نشوید / ۳. نزدیک می‌شد (درس ۴) (صفرورده ۰/۲۵)

ب) ۱. نفرستاد / ۲. بفرست / ۳. باید بفرستد (درس ۳) (صفرورده ۰/۲۵)
ج) ۱. آفریده شد / ۲. می‌آفرینند (درس ۲) (صفرورده ۰/۲۵)

د) ۱. آمرزیده شده / ۲. بسیار آمرزنده (درس ۱) (صفرورده ۰/۲۵)

۹ الف) مُفْتَرِساً: اسم الفاعل / مَكْسُورٌ: اسم المفعول (درس ۱) (صفرورده ۰/۲۵)
أغرب: اسم التفضیل / مسجد: اسم المكان (درس ۲) (صفرورده ۰/۲۵)

ب) ۱. بزرگ‌ترین / ۲. کتابخانه (درس ۳) (صفرورده ۰/۲۵)